

دونالد ترامپ، مرتجعی تمام عیار در کاخ سفید

در ۲۰ ژانویه با دونالد ترامپ، یک سیاستمداری اندازۀ ارتجاعی، زن ستیز، ملی‌گرا، راسیست و فاشیست، بعنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا سوگند یاد کرد. در سراسر دنیا او بامخالفت و بدگمانی روبرو شد. حتا بلافاصله بعد از نتایج انتخابات حداقل در ۵۰ ایالت این کشور مردم باشعار "او رئیس جمهور من نیست" به خیابانها آمدند. بسیاری از مردم چه در ایالات متحده آمریکا و چه در آلمان متحیرند و بانگرانی از خودسئوال می‌کنند که باریاست جمهوری ترامپ چه پیش خواهد آمد.

از مردی که می‌گوید "حالا که اسلحه اتمی داریم، چرا نباید از آن استفاده کنیم؟" انتظار چگونه سیاست خارجی‌ای را می‌توان داشت. بسیاری از مردم از خود می‌پرسند، چگونه امکان برنده شدن ترامپ فراهم آمد. آیا مردم آمریکا و طبقه کارگر بطور کلی بر است گراییده‌اند؟ کدام قدرت سرمایه مالی ایالات متحده از ترامپ و دولت آینده او پشتیبانی می‌کنند؟ پیروزی او در انتخابات بیش از همه مدیون نشان دادن خود بعنوان "مخالف برگزیدگان" است. در واقع او در دولت آینده خود به افرادی چون رِکس تیلرسون (Rex Tillerson) مدیرکل کنسرن شرکت نفتی اِکسون موبیل (ExxonMobil)، ژنرال‌های بازنشسته، روسالی بانکهای سرمایه‌گذار، دشمنان زنان، مخالفین بحران تغییرات اقلیمی جهانی و مخالفین پرداختهای رفاه اجتماعی رابزرگزیده است. (اشاره به تیم کابینه وحشتناک ترامپ است - م) در راس اقدامات ترامپ، اقتصاد رفیق بازانه تهوع آور و حمایت خویشاوندی قرار دارد، بگونه‌ای که داماد خود، یارد کوشنر (Jared Kushner) را بسمت مشاور روابط خارجی برگزیده است. کوشنر خود با ۳۶ سال دلال معاملات ملکی ثروتمندی است. علاوه بر این او این ثروت را مدیون پدرش است که بخاطر اختلاس مالیاتی، کمکهای مالی سیاسی غیرقانونی و تحت تاثیر قرار دادن شاهدان عینی، ۱۴ ماه پشت میله‌های زندان بسر برده است. برای ترامپ اهمیتی ندارد که طبق قانون رئیس جمهور ایالات متحده حق بکارگماردن فامیل خود در مقامات دولتی را ندارد. دولت او اغلب انعکاس دیدگاههای مرتجع‌ترین و متهاجم‌ترین بخش سرمایه مالی ایالات متحده است. سمت-گیری بسوی بازار کنسرنهای نفت و اسلحه‌سازی‌ای چون اِکسون (Exxon) و لاک‌هید (Lockheed) از جهت‌گیری بسوی مونوپلهای خودروسازی بیشتر است.

جمله کوتاه ترامپ "آمریکای قدرتمند را دوباره احیاء کن" (Make America Great Again) عکس‌العملی به بزیر سئوال رفتن رل امپریالیسم ایالات متحده بعنوان قدرت جهانی است. دولت جدید سیاست تهاجمی خارجی و تسلیحاتی، عقب‌گرد در سیاست محیط زیست، همچنین تعرض همه جانبه به حقوق اجتماعی و دمکراتیک پناهجویان، زنان، محیط زیست، و جنبشهای صلح را در دستور کار خود قرار داده است.

همه دستاوردهای نسبی طبقه کارگر-بازنشستگی - تا بیمه درمانی و حداقل مزد - مورد سئوال قرار گرفته‌اند. ترامپ عملا می‌خواهد حق سقط جنین را از بین ببرد و میلیونها پناهجو را اخراج کند.

سیستم انتخاباتی ارتجاعی

هنگامی که ایالات متحده آمریکا خود را مهد "دمکراسی" و "آزادی" می‌نمایاند، توده‌ها در عمل می‌بینند که تنها "وال استریت" (Wall Street) - یعنی سرمایه مالی جهانی، دیکتاتوری خود را بر روی کل جامعه گسترده است. که احزاب مرتبط با آن تصمیم گیرنده هستند.

تمامی سیستم انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا بر بدیل ظاهری بین احزاب "دمکرات" و "جمهوریخواه" بنا شده است. میلیونها مهاجر و افراد به ثبت نرسیده، از شرکت در انتخابات را محرومند. ترامپ تا وجودی که فقط ۲۵/۵ درصد همه رای دهندگان را بدست آورده است، و در حالی که در پهنه کشور او حتا ۲/۹ میلیون نفر از هیلاری کلینتون کمتر رای آورده است، رئیس جمهور شد.

در ایالات متحده آمریکا رئیس جمهور نه مستقیم بوسیله انتخاب‌کنندگان، بلکه به وسیله منتخبین "مجمع برگزیدگان ایالات" (Electoral College) انجام می‌گیرد. این سیستم عمیقا غیردمکراتیک و پرنسبب هرفرد یک رای را نفی می‌کند. کسی که اکثریت آراء را در ایالت مشخص بدست می‌آورد، همه آراء را از آن خود می‌کند. این، سیستم دوحزبی رامستحکم می‌سازد.)

بسیاری از مردم بعد از هشت سال، - باوجود "رفرم بیمه بیماری" و دریافت نوبل صلح از باراک اوباما می‌اوس و ناامید شده بودند. رشد دائم تضادهای اجتماعی برای بخشی از توده کارکن جامعه بمعنی کم شدن ویا درج‌زدن مزدها، دومین - ویا سومین کار، از دست دادن حقوق بازنشستگی کارگاهی وغیره. صدها هزار نفر خانه‌های با اعتبار بانکی خریداری شده خود

را، از دست دادند. درزیادهخواهی راسیستی پلیس علیه آفروامریکائی‌ها هیچ تفاوتی ایجاد نشده است. باهمه داستانسرای‌های اوپاما درباره حفظ محیط زیست در دوران حکومت او ایالات متحده آمریکا بسرعت بااستفاده ازمتد فراکینگ (Fracking) بزرگترین صادرکننده گاز و نفت جهان شد، عملی که بحران محیط زیستی جهانی را تشدید کرد.

ترامپ - همچنین یک واکنش علیه گرایش چپ

اکثریت قاطع توده‌های مردم در ایالات متحده آمریکا، نمی‌خواهد که وضعیت آن‌گونه که هست، ادامه یابد. از عمیق‌ترین بحران اقتصادی و مالی تاریخ سرمایه‌داری در سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، در ایالات متحده آمریکا، در میان توده‌ها فضایی رشد یابنده علیه وال استریت به وجود آمده است. بخصوص در میان جوانان جستجو برای یک بدیل اجتماعی و پذیرش آشکارآمدگی برای ایده سوسیالیسم در حال رشد است. در یک همه پرسی بوسیله YouGov.com در فوریه ۲۰۱۶، ۴۸٪ نسبت به سوسیالیسم "نظر مثبتی" را ارائه داده‌اند. در ایالات متحده آمریکا جنبش محیط زیست قوی و بخشا مبارز، یک جنبش در حال رشد ضد راسیستی و همچنین یک جنبش برای حداقل مزد ۱۵ دلار (۱۴ یورو) در تمامی کشور در جریان است.

در جریان پیش انتخابات "حزب دمکرات" آقای برنی ساندرز که باختلاف جزئی مغلوب حریف شد، بروشنی سمپاتی خود را برای سوسیالیسم بیان داشت وحتا از ضرورت "انقلاب" سخن گفت. این قبل از همه جوانان را به وجد آورد. اما ساندرز به دور از انتخابات موضعی سوسیال دمکراتیک دارد و درصدد رفرم در سرمایه‌داری است. کلینتون که می‌خواست خود راهمواره بعنوان سیاستمداری "باتجربه" - درست هنگام تنفر علیه برگزیدگان - نشان دهد، بلایی برای او شد. حنا این دلیل مهمی برای مردم ناامید برای انتخاب ترامپ شد. سازمان انقلابی جهانی ICOR در اطلاعیه‌ای در ۱۱ نوامبر نوشت: "بعد از ماه‌ها تبلیغات اعجاب‌آور در نهایت برای توده‌ها انتخاب بین طاعون و وبا باقی ماند".

طبقه کارگر و توده‌های ایالات متحده آمریکا منشائی انترناسیونالیستی دارند. توده‌های آفروامریکائی و آمریکای لاتینی‌ها بخش بزرگ و رشد یابنده‌ای را تشکیل می‌دهند. ترامپ را قبل از همه بخشهای توده مرفه، خرده‌بورژوازی میانی و سفید پوستانها، کارگران مسن ایالاتی که در ده سال اخیر نابودی شغلی بیشتر از همه جا بوده است، انتخاب کردند.

(انها همچنین بخش بزرگی از کارگران کمتر سازماندهی شده در اتحادیه، تشکیل می‌دهند. سهم کارگران سازماندهی شده در سندیکاها یازده درصد است. بدین خاطر نیز درصد سهم رای دهندگان متشکل در اتحادیه های کارگری بیش از تعداد کارگران غیرمتشکل بود. (نگاه کنید به بخش "ما منتظر دوره حکومتی متلاطمی هستیم...")

رل ایالات متحده بعنوان تنها ابرقدرت مورد سنوال قرار گرفته است

بعد از جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا درون اردوگاه سرمایه‌داری به یک قدرت نامحدود فراروید. او خود را به یک ابرقدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی ارتقاء داد. بعد از ترمیم سرمایه‌داری در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق و تکامل او به ابرقدرت سوسیال امپریالیستی، جهان از اواسط سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ جهانی دوقطبی بود. این لنین بود که اوایل قرن بیستم در تجزیه تحلیل امپریالیسم، قانون توسعه ناموزون اقتصادی و سیاسی را بعنوان "قانون بلامنازع سرمایه‌داری" کشف کرد. (مجموعه آثار لنین، باند ۲۲، ص. ۳۴۵).

امروز ایالات متحده آمریکا در افغانستان، عراق و سوریه بر روی کوهی از آوار سیاسی قرار گرفته است. از نظر اقتصادی ایالات متحده عقب افتاده است. در سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده آمریکا هنوز ۱۸۵ انحصار بین المللی کلان وجود داشت که جزء ۵۰۰ انحصار بزرگ جهانی بودند. ۲۰۱۵ تعداد آنها فقط به ۱۳۴ رسید. سهم سرمایه‌گذاری مستقیم ایالات متحده آمریکا در جهان از ۳۲/۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۵ سقوط کرد. اختصاص سرسام‌آور بودجه تسلیحاتی و هزینه کردن جنگهای بی‌شمار امپریالیستی هرچه بیشتر در تضاد با قروض دولتی قرار دارد. این مبلغ در شرایط کنونی ۱۰۵ درصد تولید ناخاص داخلی را تشکیل می‌دهد.

(درفاصله زمانی سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بییک سهم از بازار جهانی ۱۴ درصدی هندوستان در راس واردکنندگان اسلحه بود؛ عربستان سعودی به ۷ درصد، امارات متحده عربی با ۷/۴ درصد و ترکیه با ۶/۴ درصد در رتبه ششم قرار داشتند. در میان صادرکنندگان اسلحه (انسیتیوی بین المللی پژوهش‌های صلح استکهلم) صفحه چگونگی تمایل بین المللی فروش تسلیحات نظامی، ۲۰۱۵ Sipri Fact Sheet, Trends in International Arms Transfers, 2015) در سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ روسیه و چین در رتبه دوم و سوم قرار داشتند)

دلیل چرخش ترامپ علیه چین چیست؟

بعد از آغاز قرن جدید کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و میست MIST (مکزیک، اندونزی، کره جنوبی و ترکیه) و تعدادی دیگری از کشورهای خود را به امپریالیستهای جدید ارتقاء داده‌اند. آنها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ سهم خود را در ارزش آفرینی صنعتی جهان خود از ۲۰ درصد به ۴۰ درصد به دوبرابر رسانده‌اند. در مبارزه برای بازارها و حوضه نفوذ، قاطعانه درصدد پیشروی هستند. آنها ساختار تاکنونی امپریالیسم را بطور جدی به چالش می‌کشند.

چین، جایگزین بزرگترین اقتصاد جهانی، ایالات متحده آمریکا، شده است. بزرگترین بانکهای جهانی، با در نظر گرفتن جمع ترانزنامه متعلق به ایالات متحده آمریکا نیست، بلکه متعلق به چین است. درجه نخست را "بانک صنعت ساختمان چین" (Industrial Construction Bank of China) داراست. بانکهای چین شدیداً در حال خریدن شرکتها در سراسر جهان هستند. سهم چین در ۵۰۰ از بزرگترین انحصارهای جهانی از سال ۲۰۰۰ جهش وار از ۱۲ به ۱۰۳ در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. چین امروزه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین توسعه یافته‌ترین قدرت اقتصادی امپریالیستی است و تولیدات تسلیحاتی خود را از سر آغاز هزاره جدید به چند برابر رسانده است.

همه چیز فقط یک جنجال (- انتخاباتی)؟

حتا در زمان اوباما امپریالیسم ایالات متحده مبادرت به جهت‌گیری جدیدی در استراتژی جهانی خود نمود و مرکز ثقل را از اروپا به منطقه آسیا - اقیانوس آرام انتقال داد. همکاری چین و روسیه در به اصطلاح گروه - شانگهای بیش از همه رهبری جهانی ایالات متحده آمریکا را به چالش می‌طلبد. ترامپ در مبارزه انتخاباتی، آغاز یک جنگ تجاری علیه چین و یک نزدیکی دوباره به روسیه را اعلام داشت. او می‌خواهد تعرفه گمرکی ۴۵ درصدی به کالاهای چینی و کاهش مالیات بر سرمایه‌گذاری‌ها در ایالات متحده آمریکا را از ۳۵ به ۱۵ درصد معمول گرداند، تایک برتری رقابت انحصارهای کلان ایالات متحده آمریکا در مقابل رقبا به وجود آید. اینکه ترامپ درصدد همکاری با پوتین است، قصد تضعیف گروه - شانگهای و همکاری تاکنونی روسیه با چین را دارد. این تغییر سیاست استراتژیک امپریالیسم ایالات متحده، تأثیری جهانی خواهد داشت.

این تصور رایج که ترامپ فقط "یک دلچک دیوانه" است، که نباید اوراجدی گرفت، این نکته را در نظر نمی‌گیرد که چه قدرتی هائی را اونماینده می‌کند و در جهت منافع چه کسانی این سیاست را همواره بروشنی پیش می‌برد. این نظر نیز خوش باورانه است که بایستی لاقبل به او "یک شانس داد". دولت آلمان از پیش دست خود را برای همکاری دراز کرده است. همانند همکاری با دولت فاشیستی اردوگان دیکتاتور، درصدد همکاری با ترامپ نیز هست.

هم ایالات متحده آمریکا و هم روسیه از مدت‌ها قبل قصد خود را به روز کردن قدرت تخریبی سلاحهای اتمی خود را اعلام داشته‌اند. در کنار مناقشات سوریه و اوکراین، درگیری بین امپریالیسم ایالات متحده و چین در دریای جنوبی این کشور بالقوه امکان اینکه به یک نقطه سوزان جدید تبدیل شده و به جنگ اتمی جهانی سوم تبدیل شود، وجود دارد.

بدیل واقعی چپ است!

گرایش به راست حاکمین در ایالات متحده آمریکا، و همچنین بسیاری از دولتهای دیگر، مانند دولت مرکل/گابریل در آلمان، همه چیز می‌تواند باشد، بجز قدرت‌شان. این واکنشی به تداوم بحران عمیق عمومی سیستم جهانی امپریالیستی است. اغفال باشیوه تفکر خرده‌بورژوازی بمرور اثر خود را از دست می‌دهد. تمایل عمومی درونی امپریالیسم بسمت ارتجاع هر چه روشن‌تر بیان می‌گردد. قطبی‌شدن جامعه در وسعت جهانی تشدید شده و باعث اعتراضات و مقاومت توده‌ای جهانی می‌گردد.

در ایالات متحده آمریکا در سراسر کشور، نیروهای پیشرو و کارگران انقلابی، زنان، محیط زیست، دانشجویان و جنبش صلح برای ۲۰ ژانویه اعتراضات منطقه‌ای و همچنین جنبش زنان فراخوان یک تظاهرات توده‌ای برای ۲۱ ژانویه در پایتخت واشینگتن دی سی داده است.

این درک قوت می‌گیرد که نیروهای پیشرو و انقلابی بایستی بیشتر بهم نزدیک شوند. تکامل یک نیروی اجتماعی برای دمکراسی، آزادی و سوسیالیسم همچنین در ایالات متحده آمریکا نیازمند قدرت‌گیری نیروهای انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی است - عبور از چنددستگی موجود و تجمع در سازمان انقلابیون جهانی آی سی او ار ICOR (هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمانهای انقلابی). حزب مارکسیستی - لنینیست آلمان MLPD از فراخوان ICOR در آلمان و گروه هماهنگ کننده تظاهرات دوشنبه‌ها، در ۲۳ ژانویه، که همچنین در آلمان در سراسر کشور علیه چرخش به راست دولت ایالات متحده آمریکا و دولت مرکل/گابریل و همین‌طور علیه (بدیل برای آلمان) AfD پشتیبانی می‌کند.

پرچم سرخ - Rote Fahne - ارزیابی نمایندگان جنبش‌های کارگری، محیط زیست و انقلابی در ایالات متحده رادرمورد انتخاب ترامپ جویاشد، ما اینجا بخش‌هایی از آنرا انتشار می‌دهیم:

"ما منتظر دوره حکومتی متلاطمی هستیم..."

نظریاتی در مورد زمینه و پی‌آمد انتخاب دونالد ترامپ

جان کاتالینوتو John Catalinotto (سردبیر هفته‌نامه جهان کارگران)

رل معمول یک رییس جمهور جدید جمهوریخواه و یا دمکرات، خارج از اینکه در تبلیغات انتخاباتی چه قولی داده باشند، تداوم حاکمیت سرمایه‌داری در ایالات متحده است. با تحلیف ترامپ دوران سیاسی جدیدی در ایالات متحده آمریکا رقم خواهد خورد. همه دستاوردهای نسبی طبقه کارگر، از بیمه بازنشستگی تا بیمه درمانی، می‌توانند مورد دستبرد قرار گیرند.

ده روز بعد از انتخابات، ده‌ها هزار نفر در بسیاری از شهرهای ایالات متحده به خیابانها آمدند تا علیه نتیجه انتخابات اعتراض نمایند. این تازگی دارد. جوانان، زنانی که باطرحق سقط جنین نگرانند، مهاجرین و مسلمانان، فعالین Black-Lives-Matters، فعالین محیط زیست و کارگران، که برای حداقل ۱۵ دلار در ساعت مبارزه می‌کنند، به این مبارزه می‌پیوندند. شعار اصلی آنها: "رییس جمهور من نیست". آنها همچنین متعهدند که مکان امن در اختیار مهاجرین قرار بدهند و از مسلمانان در مقابل حملات محافظت بعمل آورند. بسیاری از سندیکاها به جمع اعتراضی علیه ترامپ پیوسته و یا اینکه توضیح دادند که به آن خواهند پیوست

رییس جمهور منتخب علیه چین موضع خصمانه اتخاذ کرده و جناح راست سیاستمداران در قدرت اسرائیل را مورد حمایت قرار داد. درنتها زمینه‌ای که خود را کمتر از کلینتون خصمانه نشان داد، در رابطه‌اش با دولت روسیه است، اما سوال اینجاست که آیا این ادامه خواهد یافت....

در ۲۰ ژانویه در واشینگتون دی سی و در سراسر کشور علیه مراسم تحلیف ترامپ تظاهرات شد. زنها در 21 ژانویه به تظاهرات روز بعد فراخواندند. ما منتظر دوره حکومتی متلاطمی هستیم، با تقابل بیشتری از سالهای حکومت اوباما، در کارخانه‌ها و خیابانها.

میک کلی Mick Kelly

عضودائمی کمیسیون سازمان سوسیالیستی راه صلح (Fight Back) Freedom Road Socialist Organization

بخش بزرگی از پشتیبانان ترامپ دارای منشاء خرده بورژوازی هستند. او قطعاً رای کارگران سفید پوست را دریافت کرده است، بخصوص در بخش‌های روستائی.

در ایالات متحده آمریکا، طبقه کارگر چندملیتی است، آنها از آفر و آمریکائی‌ها، مکزیکی آمریکائی‌ها، و لاتینوها (لاتینی‌تبارها) تشکیل می‌شوند. بدین خاطر درست نیست که مدعی بود طبقه کارگر ایالات متحده، از ترامپ پشتیبانی کرده است.

در ایالات متحده آمریکا یک رادیکالیسم، قبل از همه در بین جوانان وجود دارد، که در مبارزه پیش انتخاباتی برنی ساندروز خود را نمایان کرد. میلیونها رای دهنده خود را "سوسیالیست" می‌دانند.

تردید نیست که ترامپ سیاست ارتجاعی تقلیل کمک‌های بودجه دولتی، سرکوب و جنگ را به پیش خواهد برد. مهاجرینی که اجازه اقامت قانونی ندارند، شدیداً نگرانند، که ترامپ آنها را همچنان جناهی کرده و به اخراج توده‌ای آنها دست بزند و مرز با مکزیک را بیشتر نظامی کند. اعتراض علیه آن به انجام رسیده است.

" در ایالات متحده آمریکا قبل از همه در میان جوانان یک رادیکالیسم در جریان است."

سازمان سوسیالیستی راه صلح کمک کرد تا یک راهپیمایی بطرف کنگره ناهزدهای انتخاباتی جمهوریخواهان انجام پذیرد. ما درصددیم باهمه توان اعتراضات 20 ژانویه را سازماندهی کنیم. در آنجا هم راه حل علیه مواضع راسیستی ترامپ در مقابل مهاجرین، زنان، مسلمانان و تهاجمات ضدکارگری و همین طور راه حل علیه تعرضات برنامهریزی شده علیه محیط زیست ارائه می‌شود.

بیل فلچر پسر Bill Fletcher JR

دبیرکل سابق فروم ترانس آفریقا، عضویت طولانی در اتحادیه کارگری و سوسیالیست

من این را نه یک شورش طبقه کارگر و نه حتا شورش کارگران سفیدپوست می دانم.

این مسلم است که ایالاتی که خیلی شدید متاثر از نئولیبرالیسم جهانی بودند، بخشا انتخابی اعتراضی بود که از طرف بخشی از کارگران سفیدپوست انجام گرفت. انتخاب کنندگان ترامپ متمرکز در خرده بورژوازی بود.

خیلی از کارگران در تولیدو معادن ترس دارند که کار خود را از دست بدهند. آنها اشکال را اساسا بعنوان نتیجه توافقنامه تجاری می بینند. توافقنامه تجاری اما فقط بخشی از مشکل است.

صنایع تغییر شکل می یابند، بویژه از طریق تغییرات تکنولوژی، اما همچنین از طریق گسترش نئولیبرالیسم، یعنی گسترش خصوصی سازی، ناپایداری و بی نظمی. و در ادامه بسیاری از این کارگران حداقل برای ترامپ گوش شنوایی یافتند.

برگردان به فارسی از: فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

eMail:avangard49@gmx.de

در مورد این نوشته: برگردان به فارسی این نوشته به معنی توافق نظری ما بارفقا درهمه موارد نیست، بلکه برای آشناسدن فارسی زبانان مبارزو کمونیست بانظر سازمانهای انقلابی و مبارز جهانی انجام گرفته است.

آدرس اصل نوشته:

Rote Fahne, 20 januar 2017, Magazin der MLPD

TRUMP Erzreaktionär im Weißen Haus

www.rotefahne.de/www.mlpd.de